

## پروانه اسانلو: حمایتها از همسر مایه دلگرمی است

بهر روز کارونی

هفتم تیر هشتاد و هفت



منصور اسانلو، رییس هیات مدیره «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه»، در روز ۲۸ خرداد ماه، از بخش سی سی یو در بیمارستان لُبافی نژاد تهران به بهداری زندان اوین منتقل شد. او چند روز قبل از این انتقال، در نامه به سازمان های بین المللی، به تشریح شکنجه های خود در مدت زندان خود پرداخته بود. آقای اسانلو در روز ۱۹ تیر سال گذشته در نزدیکی منزل خود توسط ماموران امنیتی که خطاب به جمعیت حاضر، او را دزد می نامیدند، بازداشت شد.

صحنه ای از راهپیمایی در حمایت از اسانلو در نروژ

تا سه روز، هیچ خبری از وی منتشر نشد و مقام های امنیتی و قضایی از تایید بازداشت و اعلام مکان نگهداری اش خودداری می کردند. اما پس از سه روز و پس از پخش شایعه قتل او و اعتراض های بین المللی، اعلام شد که این فعال کارگری بازداشت شده است و در زندان اوین است. پس از آن نیز منصور اسانلو به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به پنج سال زندان محکوم شد.

در شرایطی که به سالگرد بازداشت منصور اسانلو که نامی شناخته شده و مشهور در میان رسانه ها، سازمان های حقوق بشری و اتحادیه های کارگری در جهان به شمار می رود، با پروانه اسانلو، همسر آقای اسانلو، در برنامه هفتگی گفت و گوی ویژه رادیو فردا (که سه شنبه ها بعد از اخبار ساعت ۱۹ پخش میشود)، درباره فعالیت ها و زندگی خصوصی این فعال کارگری به گفت و گو نشستیم.

**خانم پروانه اسانلو از زندگی و کارنامه همسران منصور اسانلو برایمان بگویید.**

متولد سال ۱۳۳۸ است و تقریباً ۴۸ سال دارد و مدت ۲۵ سال کارمند شرکت واحد بوده است.

اوایل کار به عنوان راننده شرکت واحد، انجام وظیفه می کرد و بعد از ۱۰-۱۵ سال کارمند شرکت واحد شد. در دانشگاه پیام نور تحصیل می کرد و سال سوم رشته فیزیک کاربردی بود که به دلایل مختلف از جمله مشکلات اقتصادی، مجبور شد دانشگاه را رها کند زیرا شرایط اقتصادی زندگی بسیار بد بود و او مجبور بود چند شیفت کار کند. از همان ابتدا دغدغه مسائل قانون کار، حقوق خودش و کارگران را داشت و تلاش می کرد همیشه با کارگران در این رابطه صحبت کند و آنها را به حقوق خودشان آگاه سازد.

**علت تغییر سمت او از رانندگی شرکت واحد به کارمند اداری چه بود؟ آیا علت خاصی داشت؟**

خیر، بخشنامه ای در شرکت واحد تصویب شد، مبنی بر این که افراد دیپلمه می توانند تغییر سمت دهند. او هم جزو کسانی

بود که تغییر سمت داد، زیرا کارراندگی بسیار دشوار بود و اودیسک کمر داشت و باید استراحت می کرد، به همین خاطر شغلش را تغییر داد.

مدتی نیز به عنوان مسئول مددکاری، در شرکت واحد کار می کرد. آنها دائم او را در مناطق مختلف می چرخاندند و سعی می کردند در یک جا نگه ندارند.

**آقای اسانلو از چه زمانی به طور اخص، وارد کار سندیکایی شد؟**

از ابتدای سال ۸۴ دنبال تشکیل هیئت مؤسس بود و مجمع عمومی شان را در بهار ۸۴ قبل از انتخاب آقای احمدی نژاد، یعنی اواخر ریاست جمهوری آقای خاتمی، تشکیل داد.

از آن به بعد به طور دائم فقط درگیری، زندان و کتک شامل حال او شده است. من تا کنون انبوهی از لباس های پاره او را نگاه داشته ام که همه آنها یا دکمه ندارد یا یقه هایشان پاره شده است.

**خودتان چه فکر و احساسی در مورد فعالیت های صنفی آقای اسانلو دارید؟**

به طور طبیعی فعالیت های صنفی آقای اسانلو تأثیر تنگاتنگی در زندگی ما داشته است.

من و آقای اسانلو از لحاظ عاطفی بسیار به هم وابسته بوده و هستیم. هر خانواده ای دوست دارد افراد خانواده در کنار هم باشند، ولی ما در این سه سال آقای اسانلو را کنار خودمان نداشته ایم و این مسئله، هم من و هم بچه ها را بسیار اذیت می کند زیرا به او وابسته هستیم و او را دوست می دارند، البته او چون مرد است ممکن است ناراحتی خود را بروز ندهد.

این مسئله نه تنها از نظر عاطفی بلکه از نظر اقتصادی نیز آزارمان می دهد، زیرا این جا اگر چند نفر هم کار کنند باز هم چرخ زندگی نمی چرخد، چه برسد به این که مرد خانواده نتواند کار کند.

من می بینم که آقای اسانلو حق را می گوید و چیزی خارج از ضوابط قانونی و علیه مملکت نگفته و واقعا درحقتش ظلم شده است. این که او حق را می گوید و درحقتش ظلم شده، بسیار ناراحت کننده است و مرا مجاب می کند که با او همدرد و همراه باشم و این وضعیت سخت را تحمل کنم.

**آقای اسانلو به خاطر فعالیت های خود در سطح جهان، به خصوص بین سازمان های کارگری و رسانه ها شناخته شده و به خاطر مبارزات صنفی مورد حمایت اتحادیه های کارگری قرار داشته است. شما از این حمایت ها و همبستگی هایی که با آقای اسانلو می شود چه احساسی دارید؟**

این حمایت های داخلی و خارجی، احساس دلگرمی به ما می دهد، این احساس که خانواده ما تنها نیستند.

بسیار امیدوارم که این حمایت های بین المللی بتواند به پرونده آقای اسانلو کمک کند و مقامات کشور ما را متوجه کند که قضیه آقای اسانلو اصلا سیاسی نیست و فقط صنفی و در راستای مسائل کارگری است.

او به هیچ عنوان قصد انجام کار غیرقانونی در این مملکت ندارد و هدفش احقاق حقوق کارگران است. من امیدوارم این حمایت ها تأثیر مثبت داشته باشد.

**فکر می کنید آقای اسانلو، چگونه این شهامت را پیدا کرده که در راه احقاق حقوق کارگران مبارزه کند؟**

او آگاهی زیادی از مسائل سندیکایی و کارگری داشت. همین آگاهی از مسائل و این که می دانست حق با اوست و گناهی مرتکب نشده و به صورت قانونی عمل می کند، به او جرأت می داد تا کارش را پیش ببرد.

**با توجه به شناختی که از آقای اسانلو دارید، فکر می کنید آینده فعالیت های او چگونه است؟**

آینده را نمی شود پیش بینی کرد، ولی امیدوارم شرایط آینده بهتر اکنون باشد و لااقل خود آقای اسانلو بتواند نتیجه این زحمت ها و تلاش ها را ببیند.

کما این که دست آوردهای سندیکا تا حدودی مشخص شده است. به عنوان مثال، در حال حاضر به کارگران شرکت واحد بن می دهند و ۱۶۰-۱۵۰ هزار تومان حقوق آنها افزایش یافته است، همچنین صبح و عصر به آنها شیر و کیک می دهند و تصویب شده که سالی دو دست لباس به آنها بدهند. این درحالی است که قبلا، کارگران شرکت واحد را آدم به حساب نمی آوردند.

همین دستاوردها به تدریج نشان داد که سندیکا میتواند مثبت باشد و این مسئله برای آقای اسانلو بسیار خوشحال کننده است.

**کارگران شرکت واحد، چه عقیده ای در مورد آقای اسانلو دارند؟**

آن طور که ما از قلبشان خبر داریم، همه آنها دلشان با آقای اسانلوست. ولی بین آنها، جو رعب و وحشت وجود دارد و ترس از دست دادن لقمه نانیشان.

**علاق آقای اسانلو چه چیزهایی است؟**

به کوهنوردی، شنا، کتاب و مطالعه به شدت علاقمند است. بدون اغراق باید بگویم کاری نیست که آقای اسانلو نتواند انجام دهد. او دوست دارد در هر کاری تلاش کند.

**به چه کتاب هایی علاقمند است؟**

او شعر می گوید و در درجه اول، عاشق شعر و کتاب های شعراست و در درجه دوم رمان خیلی دوست دارد. از تمام نویسندگان و هر کتابی را که دستش بیاید، می خواند.

**موسیقی هم گوش می کند و به چه موسیقی علاقمند است؟**

موسیقی کلاسیک دوست دارد.

**در کارهای خانه کمک می کند؟**

بله، همیشه در کارهای بچه ها به من کمک کرده و لباس هایشان را شسته است. ظرف هم می شوید و به حقوق من کاملا آشناست و در هر فرصتی که پیش آید به من کمک می کند، مگر این که نتواند. او مرد واقعا خوبی است.

بسیار متواضع است و خوشحالی کارگران خوشحالی اوست. طوری رفتار می کند که تصور نمی کنید که دنبال موقعیتی خاص یا منافی باشد. خدا شاهد است تا کنون، نه حساب بانکی دارد و نه دسته چکی و نه یک آلونک شخصی.

**بهر روز کارونی**

**رادیو فردا**

**۲۶-۰۶-۲۰۰۸**